

آتیه‌نو مهمترین دلایل مهاجرت نیروی کار متخصص کشورها در حال توسعه را بررسی می کند

# فرار مغزهای اسرقت کشورهای ثروتمند؟

گزارش

تصور ساختن چیزی بدون وجود انسان یا مهارت‌های لازم برای ساخت آن غیر ممکن، حتی خنده‌آور است. آنچه ارزش افزوده و ثروت تولید می کند؛ نه اشیاء، ماشین آلات یا زمین بلکه انسانی است که با آن ابزار کار می کند. در دنیای واقعی ساختمان‌هایی که خودبه‌خود ساخته، خیابان‌هایی که خودبه‌خود آسفالت و ماشین‌آلاتی که خودبه‌خود طراحی شوند، وجود ندارند. تمامی فعالیت و تولید در جامعه، امری انسانی است و بدون نیروی کار انسان غیر ممکن است. از این رو انسان‌هایی (بخوانید جمعیتی) که در سن کار قرار دارند ارزش آفرین و یکی از بنیادی ترین عوامل تولید ثروت هستند. افزایش جمعیت همواره عامل شکوفایی اقتصادی کشورها بوده است. این افزایش

از اواسط قرن بیستم در جهان بیش از سه برابر شده و اکنون به ۸ میلیارد نفر رسیده است. پیش‌بینی‌های سازمان ملل نشان می‌دهد جمعیت جهان می‌تواند تا سال ۲۱۰۰ به حدود ۱۱ میلیارد نفر برسد و بیشتر این رشد در کشورهای کم‌درآمد و با در آمد متوسط پایین رخ خواهد داد. در حقیقت کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی با مسأله بسیار مهمی برای پایداری وضعیت صنعت و ثروت خود روبه‌ر و شده‌اند؛ کمبود جمعیت و عدم وجود نیروی کار متخصص متناسب با حجم تولید اقتصادی آنها؛ راه‌حل کشورهای پیشرفته صنعتی جبران کمبود نیروی کار است تا در رقابت اقتصادی عقب‌نمانند و همچنان جایگاه مرکزی خود را در قدرت جهانی تثبیت کنند.

بانگاه به این وضعیت، تکلیف پرسش اخلاقی به‌مجا‌ری فرار و دزدی مغزا مشخص است؛ گناهکار یا بیگناه؛ مسأله چیز دیگری است.

## نتایج فاجعه‌بار، هزینه‌های تولید انسان

یک نمونه از این نتایج فاجعه‌بار که اتفاقاً وجهه اخلاقی (اما بی اهمیت) آن بیشتر دیده می‌شود تخلیه نیروی کار در عرصه سلامت و بهداشت است؛ چرا که مستقیماً کشورهای ضعیفی را هدف قرار داده که جان انسان‌ها در آنها به علت مشکلات و کمبود نیروی پزشکی در خطر است. برای نمونه اکثر کشورهای منطقه آفریقایی سازمان بهداشت جهانی، همچنان با مهاجرت تعداد قابل توجهی از متخصصان بهداشتی بسیار ماهر خود (پزشکان، پرستاران، دندانپزشکان و داروسازان) به کشورهای توسعه‌یافته روبه‌ر هستند. این مسأله در شرایطی رخ می‌دهد که وضعیت بهداشتی، سلامت، شیوع بیماری و دسترسی به خدمات بیمارستانی در این کشورها در پایین‌ترین سطح قرار دارد و هر سال تعداد زیادی از مردم این کشورها قربانی کمبود نیروی متخصص و عدم دسترسی به خدمات سلامت می‌شوند. سه دسته از مهاجران سلامت از آفریقا به مقصد کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد؛ نخست کارآموزان علمی (مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) که برای آموزش به خارج از کشور می‌روند، اما پس از اتمام تحصیلات خود باز نمی‌گردند. دوم متخصصان بهداشتی که در کشورهای توسعه‌یافته آموزش‌های پیشرفته می‌گیرند، پس از اتمام تحصیلات خود بازمی‌گردند، اما پس از مدتی کار دوباره مهاجرت می‌کنند. دسته سوم نیز متخصصان بهداشتی هستند که در مؤسسات داخلی آموزش دیده‌اند، اما پس از اتمام تحصیلات خود و یا پس از مدتی کار در کشور خود مهاجرت می‌کنند. فرار مغزها می‌تواند عواقب عظیمی داشته باشد. اثرات آن نه تنها در بخشی که فرار و دزدی مغزها در آن رخ می‌دهد، بلکه در جایی که افراد به آنجا نقل مکان می‌کنند نیز احساس می‌شود. مناطق متأثر از فرار و دزدی مغزها با کمبود سرمایه انسانی مواجه شده و در حرفه‌هایی که تخلیه شده حفره بزرگی برای پر کردن باقی می‌ماند؛ فاصله‌ای که همیشه پر کردن آن (اگر اصلاً ممکن باشد) دشوار خواهد بود. متخصصان پزشکی در کشورهای در حال توسعه را در نظر بگیرید که برای فرصت‌های بهتر به بخش‌هایی از جهان توسعه‌یافته نقل مکان می‌کنند، ممکن است افراد (و اجاد شرایط) کافی برای جایگزینی آنها در هنگام خروج وجود نداشته باشد. اثر دیگر بر مناطقی که فرار و دزدی مغزها را تجربه می‌کنند، از دست دادن در آمد است. دولت‌ها برای تأمین مالی برنامه‌های اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی خود به مالیات بر در آمد متکی هستند. مهاجرت دسته‌جمعی منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی شده، در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی را متوقف خواهد کرد. مسأله مهم دیگر، هزینه تولید یک شخص آموزش‌دیده است؛ اعم از سیستم آموزش عمومی، بهداشت، سیستم حمل‌ونقل و هزاران هزینه ضروری دیگری که اشخاص خصوصی یا دولت‌ها برای پرورش فرزندان خود یا شهروندان‌شان صرف می‌کنند که مستقیماً به جای دیگری رفته و بازار کار جامعه مبدأ را از نیروی متخصص خالی می‌کند.

## ۲ نمونه: چین و هند

در سال ۲۰۱۲، حدوداً ۱۰۰ هزار دانشجوی هندی در ایالات متحده تحصیل می‌کردند که بیشتر آنها در مقطع فوق‌لیسانس مشغول به تحصیل بودند. اکثریت بزرگ این دانشجویان پس از اخذ مدرک خود در ایالات متحده باقی می‌مانند و بسیاری از آنها به یک استاد در دانشگاه محل تحصیل خود ملحق می‌شوند. با استفاده از آمار سازمان یونسکو، یک تخمین تقریبی از هزینه‌های تولید این افسراد برای مالیات‌دهندگان هندی حدود ۱۲ هزار دلار آمریکا است. یعنی چنین مبلغی را باید هزینه کرد تا دانش‌آموزی را از مقطع ابتدایی تا پایان دوره لیسانس آموزش دهند. می‌توان تخمین زد که یک خانواده هندی ممکن است مبلغ مشابهی را برای آموزش یک کودک سرمایه‌گذاری

کند، به‌ویژه از آنجایی که بسیاری از جوانان هندی که واجد شرایط پذیرش در دانشگاه‌های خارج از کشور هستند، در مدارس خصوصی و سطح متوسط انگلیسی زبان تحصیل کرده‌اند. اگر هزینه‌ها را در نظر بگیرید، برای هر فرد تقریباً ۲۴ هزار دلار آمریکا سرمایه لازم است، بنابراین سرمایه‌گذاری تقریبی هند در آمریکا از طریق نیروی کار آموزش‌دیده مهاجر هندی، با در نظر گرفتن ۱۰۰ هزار جوان تحصیلکرده تا پایان دوره لیسانس، چیزی در حدود ۲ میلیارد و ۴۰۰ هزار دلار آمریکا در سال است. ارقام هزینه و سرمایه از بیسن رفته چین به احتمال زیاد حتی بالاتر از این میزان است. اگرچه هزینه‌های عمومی برای آموزش در دسترس نیست، اما تحقیقات نشان می‌دهد که به طور متوسط یک خانواده چینی حدوداً ۳۹ هزار دلار آمریکا برای آموزش دانش‌آموز خود از مدرسه ابتدایی تا تکمیل مدرک لیسانس سرمایه‌گذاری می‌کند. در سال ۲۰۱۲، تقریباً ۱۹۴ هزار دانش‌آموز از کشور چین در ایالات متحده آمریکا تحصیل می‌کردند. می‌توان تخمین زد که خانواده‌های چینی چیزی در حدود ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار آمریکا برای نیروی مغزی صادر شده به ایالات متحده سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر بودجه اضافی قابل توجهی که از منابع دولتی چین در آموزش و سایر هزینه‌های تولید نیروی متخصص صرف می‌شود را در نظر بگیرید، احتمالاً هزینه‌های برآورد رفته رقم به مراتب بزرگتری را نشان خواهد داد. متأسفانه آماری برای برآورد این هزینه در دسترس نیست و برآوردهای احتمالی بسیار متغیر است. نرخ اقامت آموزش‌دیدگان در حال حاضر بسیار بالا است. بیش از ۸۰ درصد از چینی‌ها و هندی‌هایی که در طول تقریباً نیم قرن گذشته در ایالات متحده مدارک پیشرفته دریافت کرده‌اند، به طور دائم در آمریکا ساکن شدند. این نرخ اقامت نه تنها در زمینه نیروی تخصصی بهداشتی (که در طی چند سال اخیر با وقوع همه‌گیری کرونا شدت بیشتری یافته) بلکه در سایر رشته‌های نیز قابل مشاهده است. تجزیه و تحلیل داده‌های اخیر از نظرسنجی بنیاد ملی علوم آمریکا از دانشجویان مقطع دکتری نشان می‌دهد که اکثریت مطلق دریافت‌کنندگان دکترا که از کشورهای در حال توسعه آمده‌اند قصد دارند تا در ایالات متحده اقامت کنند و به نیروی کار دانشگاهی، به‌ویژه در زمینه‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات بپیوندند.

## استراتژی کشورهای ثروتمند

در اروپا و آمریکای شمالی اجماع گسترده‌ای وجود دارد که در آن ابتکارات جدیدی برای جذب «بهترین و باهوش‌ترین» متخصصان از سایر کشورها، برای ماندن و پیوستن به نیروی کار محلی به کار گرفته شده است. نمونه‌ای از این ابتکارات و استراتژی‌ها را می‌توان بر شمرد: آزادسازی مقررات ویزا، فرصت‌های شغلی باز، مجوز کار در مقطع کارشناسی ارشد، سهولت تشخیص

مدرک، بهبود همکاری بین دانشگاه‌ها، دولت‌ها و صنعت و... کشورهایی مانند بریتانیا و استرالیا که اخیراً محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تری برای مهاجرت اعمال کرده‌اند، در حال بازنگری در سیاست‌های خود هستند. آکادمی ملی علوم و دانشگاه‌های ایالات متحده از آزادسازی قوانین صدور ویزا حمایت می‌کنند تا اقامت و کار برای فارغ‌التحصیلان خارجی در ایالات متحده آسان تر شود.

نه تنها هیچ تناقضی میان، برای مثال، اهداف توسعه‌ای سازمان ملل متحد درباره ضرورت توسعه آموزشی در کشورهای فقیر و در حال توسعه با سیاست‌هایی که هدف‌شان جذب بهترین مغزها از کشورهای در حال توسعه است وجود ندارد؛ بلکه اگر بدبینانه نگاه کنیم، حتی چنین سیاست‌هایی را می‌توان، عمد یا غیر عمد، مکمل یکدیگر دانست. کشورهای آفریقایی مانند آفریقای جنوبی و بوتسوانا که سیستم‌های آموزش عالی نسبتاً پیشرفته‌ای دارند و حقوق‌های جذاب‌تری پرداخت می‌کنند، در حال جذب استعدادها از سایر نقاط آفریقا هستند. فرار و دزدی مغزهای دانشگاهی میان «قدرت‌های دانشگاهی» اصلی نیز وجود دارد. آلمان تلاش زیادی را صرف بازگرداندن فارغ‌التحصیلان فوق دکترا و دکتری آلمانی که در ایالات متحده کار می‌کنند کرده است. حتی برای آلمانی‌ها در قیاس با ایالات متحده، ساختار شغلی آکادمیک با ثبات‌تر و حقوق تا حدودی بالاتر در ایالات متحده جذاب است و دانشگاه‌های آمریکایی سعی می‌کنند بهترین فارغ‌التحصیلان بین‌المللی را، فارغ از ملیت‌شان، در آمریکانگه دارند.

## راه‌حل چیست؟

اگرچه راه‌حل آسانی برای فرار و دزدی مغزها وجود ندارد، اما برخی از تدابیر وجود دارند که مدبران تجاری دولتی دنیا می‌توانند برای کاهش یا به حداقل رساندن این پدیده پر هزینه انجام دهند. برخی از این راه‌حل‌ها عبارت‌ند از: افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های خاصی از اقتصاد، ارائه دستمزد رقابتی، زمینه‌سازی برای اصلاحات قانونی و اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و منابع مانند مسکن و مراقبت‌های بهداشتی، ارائه راهکارهای مسکن ارزانقیمت و مانند آن. البته قصه فرار و دزدی مغزها تاریخی از تناقض میان کشورهای فقیر و غنی را در بر می‌گیرد. گویی پیشرفت یکی از آنها در گرو غارت دیگری و بهبود وضع اقتصادی یک کشور در گرو نابودی منابع کشور دیگر است؛ صلح و رونق در یک نقطه از کره زمین به قیمت جنگ و ویرانی در نقاط دیگر به دست می‌آید. از این رو پیچیدگی مسأله و در هم تنیدگی آن با مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی، تاریخی و سیاسی، اصلاحات گسترده‌تری را در سطح جهان، اقتصاد جهان و سیاست‌های بین‌المللی می‌طلبد و صرفاً به اصلاحات درونی کشورها باز نمی‌گردد.



## انگلیس و کاهش نیروی کار

«لیز تراس» قرار است یک بازنگری اساسی را در سیستم ویزای انگلیس برای مقابله با کمبود شدید نیروی کار در صنایع کلیدی آغاز کند. نخست‌وزیر انگلیس قرار است با ایجاد تغییراتی در «فهرست کمبود مشاغل» برخی از همکاران خود در کابینه، قوانین ضدمهاجرت را به چالش بکشد و به صنایع خاصی اجازه دهد تا کارکنان بیشتری مانند مهندسان پهنای باند را از خارج کشور بیاورند. این بررسی همچنین می‌تواند کاهش الزامات صحبت کردن به زبان انگلیسی در برخی بخش‌ها را تأیید کند تا کارگران خارجی بیشتری وارد کشور شوند. کواسی کوآرتنگ وزیر دارایی انگلیس در پاسخ به سؤالی درباره این ایده که قوانین مهاجرت ممکن است تسهیل شود؟ گفت: «این موضوع در مورد تسهیل قوانین نیست. تمام نکته در مورد بحث برگزیت است و بر این اساس ما باید مهاجرت را به گونه‌ای کنترل کنیم که برای انگلیس کارساز باشد.» وی در پاسخ به این سؤال که آیا مشاغل بیشتری به فهرست افرادی که می‌توانند وارد شوند اضافه می‌شود؟ گفت: «وزیر کشور همان‌طور که روز جمعه اعلام کرد، در هفته‌های آینده این مورد را به روزرسانی خواهد کرد.»

## حمایت طرفداران فوتبال از حقوق کارگران قطر

بر اساس نظرسنجی مؤسسه نظرسنجی انگلیسی (YouGov) که میان ۱۷ هزار طرفدار فوتبال از ۱۵ کشور جهان صورت گرفت، ۷۳ درصد از شرکت‌کنندگان از پرداخت غرامت به کارگران مهاجر در قطر به دلیل نقض قوانین حقوق بشر توسط قطری‌ها، استقبال کرده‌اند. بنابر نتایج این نظرسنجی که به درخواست سازمان عفو بین‌الملل انجام شد، تنها ۱۰ درصد از پرسش‌شوندگان با این اقدام مخالف هستند. بیش از دوسوم رأی‌دهندگان (۶۷ درصد) نیز تأکید داشتند که فیفا علاوه بر پرداخت غرامت به کارگران باید به طور علنی درباره مشکلات حقوق بشری پیرامون جام جهانی سال ۲۰۲۲ قطر آگاه‌سازی کند. «استیو کاکبرن» رییس بخش عدالت اقتصادی و اجتماعی عفو بین‌الملل در اظهاراتی در این باره گفت: «مردم در سراسر جهان منتظرند تا شاهد اقدام فیفا در راستای جبران رنج کارگران مهاجر در قطر باشند.» وی در ادامه با بیان اینکه گذشته قابل بازگرداندن نیست خاطر نشان کرد: «پرداخت غرامت یک راهکار ساده برای فیفا و قطر، به منظور جبران حداقلی آسیب‌هایی است که به این کارگران وارد کرده‌اند.» فدراسیون بین‌المللی فوتبال در این باره اظهار داشت: «در سال‌های اخیر طیف وسیعی از اقدامات در راستای تقویت حمایت‌ها از کارگران مهاجر در قطر اجرا شده که ممکن است شرکت‌کنندگان در این نظر سنجی از آنها بی اطلاع باشند.» سازمان عفو بین‌الملل به همراه دیگر گروه‌های طرفدار حقوق بشر، در ماه مه (اردیبهشت‌ماه) غرامتی ۴۴۰ میلیون دلاری را به منظور جبران خسارات‌های ناشی از زیر پا گذاشته شدن حقوق بشر در جریان آماده‌سازی قطر برای جام جهانی سال ۲۰۲۲، از فیفا درخواست کرده بودند. همچنین این سازمان از فیفا و قطر خواسته بود سازوکاری در جهت بازپرداخت دستمزد‌های پرداخت نشده، هزینه‌های درمانی جراحات و مرگ ناشی از کار ایجاد کند.



حمید رضاعلی‌نیا روزنامه‌نگار

در اروپا و آمریکای شمالی اجماع گسترده‌ای وجود دارد که در آن ابتکارات جدیدی برای جذب «بهترین و باهوش‌ترین» متخصصان از سایر کشورها، برای ماندن و پیوستن به نیروی کار محلی به کار گرفته شده است